

شکوفایے کلامِ اسلامی

مجموعہ مطالعات اسلامی | ۳۲ | کلام و فرقہ ہا | ۴ |



انتشارات حکمت

این کتاب ترجمه‌ای است از:

Josef van Ess,
The Flowering of Muslim Theology,
Translated by Jane Marie Todd,
Harvard University Press, 2006.



Harvard
University
Press



انتشارات
اسلام

سرشناسه: اس، یوزف وان، Ess, Josef Van

عنوان: شکوفایی کلام اسلامی

نویسنده: یوزف فان اس؛ مترجم: سارا حاجی حسینی مسگر

مشخصات نشر: تهران: حکمت، ۱۳۹۹

مشخصات ظاهری: ۱۷۰ صفحه

شابک: 978-964-244-194-5

وضعیت فهرست‌نویسی: فیبا

یادداشت: عنوان اصلی: *The Flowering of Muslim Theology*

یادداشت: نمایه

موضوع: کلام .. Islamic theology*

موضوع: اسلام .. Doctrines -- Islam

شناسه افزوده: حاجی حسینی مسگر، سارا، ۱۳۵۸-، مترجم

رده‌بندی کنگره: ۱۳۹۷ ش ۸ الف ۵۳/۲۰۳ BP۲۰۳

رده‌بندی دیویی: ۲۹۷/۴۱

شماره کتاب‌شناسی ملی: ۵۴۶۵۲۶۱



سازمان اسناد و کتابخانه ملی
جمهوری اسلامی ایران



۲۱۰۰۰۰ تومان



انتشارات حکمت

نشانی دفتر و فروشگاه مرکزی: تهران، خیابان انقلاب، ابتدای ابوریحان، شماره ۹۴
کدپستی: ۱۳۱۵۶۹۴۱۶۵ • تلفن: ۶۶۴۶۱۳۹۲ | ۶۶۴۱۵۸۷۹ • نمابر: ۶۶۴۰۶۵۰۵
www.hekmat-ins.com | info@hekmat-ins.com
hekmatpub | 09394402251

شکوفایی کلام اسلامی

نویسنده:	یوسف فان اس
مترجم:	سارا مسگر
ویراستار:	حسین خندق آبادی
طراح جلد:	حسن کریم زاده
نوبت چاپ:	دوم ■ ۱۴۰۳ شمسی ■ ۱۴۴۶ قمری
شمارگان:	۲۲۰ نسخه
شابک:	۹۷۸-۹۶۴-۲۴۴-۱۹۴-۵
حروفچینی و صفحه آرایی:	مؤسسه فرهنگی-هنری حکمت

© (کلیه حقوق محفوظ و مخصوص انتشارات حکمت است)

تکثیر، انتشار و بازنویسی این اثر یا قسمتی از آن به هر شیوه (از قبیل چاپ، فتوکپی، الکترونیکی، صوت و تصویر) بدون اجازه مکتوب ناشر ممنوع است و پیگرد قانونی دارد.

فهرست

۹	سخن ناشر
۱۱	سپاس‌گزاری
۱۳	یادداشتی درباره ترجمه انگلیسی
۱۵	مقدمه
	۱. کلام از منظر کلام
۲۱	تفرقه و بدعت در اسلام
	۲. کلام و قرآن
۴۷	معراج و بحث و مجادله درباره تشبیه
	۳. کلام و علم
۷۱	اتم‌گرایی معتزلی
	۴. کلام و حقیقت انسان
۹۹	انگاره‌های تاریخی و اندیشه‌های سیاسی
	۵. کلام و اصول آن
۱۲۵	هرمنوتیک و معرفت‌شناسی
۱۵۳	یادداشت‌ها
۱۶۵	نمایه

سخن ناشر

پروفسور یوزف فان اس از برجسته‌ترین استادان و پژوهشگران در اسلام‌شناسی و به‌ویژه در زمینه کلام اسلامی است. مؤلف در این کتاب، که آن را دریچه‌ای به جهان فکری‌ای می‌توان دانست که به ظهور کلام اسلامی انجامید، با تأمل و تعمق در مسائل مهم کلام متقدم، درباره ظهور الاهیات اسلامی در دوره کلاسیک بحث کرده و مقایسه‌های راهگشایی نیز میان اسلام و سنت‌های مسیحی (و یهودی) به دست داده است.

از آنجا که کتاب پیش رو را تنها چکیده سی و پنج سال پژوهش و درآمدی کلی بر شاهکار ایشان، کلام و جامعه در سده‌های دوم و سوم هجری، می‌توان دانست، به طبع، مستندات بسیاری از آرا و سخنان نویسنده را نیز باید در آنجا جست. همچنین شایان ذکر است که مؤلف اگرچه از محققان بنام در زمینه کلام اسلامی است، اما همان‌طور که غالباً در میان مستشرقان و اسلام‌شناسان مرسوم است، اساساً بر منابع اهل سنت تکیه کرده و در تحلیل و صورت‌بندی نظرات خود اعتنای جدی به منابع شیعی نداشته است.

ناگفته پیداست که انتشار این اثر به معنای موافقت با همه برداشت‌ها و نتیجه‌گیری‌های نویسنده نیست. بلکه چون این پژوهش نیز همچون دیگر

پژوهش‌های از این دست، پرسش‌ها و نقدهایی برمی‌انگیزد که خود راه را بر تحقیقات و نظرورزی‌های جدید می‌گشاید، کوشیده‌ایم با انتشار آن گامی در این راه برداریم.

پیشگفتار

در این کتاب به بررسی و نقدی بر تفکرات و روش‌های فقهی و حقوقی در ایران معاصر پرداخته شده است. در این کتاب به بررسی و نقدی بر تفکرات و روش‌های فقهی و حقوقی در ایران معاصر پرداخته شده است. در این کتاب به بررسی و نقدی بر تفکرات و روش‌های فقهی و حقوقی در ایران معاصر پرداخته شده است.

در این کتاب به بررسی و نقدی بر تفکرات و روش‌های فقهی و حقوقی در ایران معاصر پرداخته شده است. در این کتاب به بررسی و نقدی بر تفکرات و روش‌های فقهی و حقوقی در ایران معاصر پرداخته شده است. در این کتاب به بررسی و نقدی بر تفکرات و روش‌های فقهی و حقوقی در ایران معاصر پرداخته شده است.

در این کتاب به بررسی و نقدی بر تفکرات و روش‌های فقهی و حقوقی در ایران معاصر پرداخته شده است. در این کتاب به بررسی و نقدی بر تفکرات و روش‌های فقهی و حقوقی در ایران معاصر پرداخته شده است. در این کتاب به بررسی و نقدی بر تفکرات و روش‌های فقهی و حقوقی در ایران معاصر پرداخته شده است.

یادداشتی درباره ترجمه انگلیسی

این کتاب در اصل [ترجمه انگلیسی] مجموعه‌ای از چهار سخنرانی یوزف فان اس در بنیاد جهان عرب، پاریس، در سال ۱۹۹۸ است. این سخنرانی‌ها چهار فصل نخست این کتاب را تشکیل می‌دهد؛ نویسنده فصل پنجمی نیز به همراه مقدمه‌ای بدان افزوده و آن را با عنوان (2002) *Prémis de la théologie musulman* منتشر کرده است. به هر تقدیر، کتاب اخیر در آمدمی به فرانسه بر شاهکار فان اس، کلام و جامعه در سده‌های دوم و سوم هجری، است.^۱

-
1. *Theologie und Gesellschaft im 2. Und 3. Jahrhundert Hidschra: Eine Geschichte des religiösen Denkens im frühen Islam.*

[این کتاب با عنوان زیر به انگلیسی نیز ترجمه شده است:

Josef van Ess, *Theology and Society in the Second and Third Centuries of the Hijra: A History of Religious Thought in Early Islam*, translated by John O'Kane, Gwendolin Goldbloom, Brill, Leiden, Boston 2016-2018.

همچنین با این مشخصات به فارسی ترجمه شده است: یوزف فان اس، کلام و جامعه در سده‌های دوم و سوم هجری: تاریخ اندیشه دینی در صدر اسلام، ج ۱، ترجمه فرزین بانکی و احمدعلی حیدری، انتشارات دانشگاه ادیان و مذاهب، قم ۱۳۹۷ - و.]

مقدمه

در رسانه‌ها، اسلام «غیرخودی»^۱، انزجارآور و عجیب و غریب است؛ و مفهوم عموماً وابسته به آن شریعت است، قانون اسلامی مبتنی بر قرآن که ظاهراً با احکام عقل‌روشنی‌یافته^۲ مغایرت دارد. این نظر با آنچه طه حسین در مستقبل الثقافة فی مصر (۱۹۳۸) نوشته است، آشکارا تفاوت دارد: «همه چیز حاکی از آن است که هیچ وجه ممیزی میان ذهن^(۱) اروپایی و ذهن شرقی وجود ندارد.» او در ادامه می‌افزاید: «اطمینان دارم که هیچ تفاوتی میان ما و اروپاییان چه در ذات و چه در ماهیت وجود ندارد.»^(۲) مصطفی عبدالرزاق همین اندیشه را در ۱۹۴۵، در سخنرانی رسمی مراسم معارفه‌اش به‌عنوان شیخ الازهر، یعنی ریاست دانشگاهی که در اصل تجسد روح شریعت است، تکرار کرد: «واقعاً هیچ دلیلی نمی‌بینم برای اینکه اسلام و غرب را در مقابل یکدیگر قرار دهیم.»^(۳) در آن زمان، این دو متفکر مصری می‌توانستند به توافق بعضی از اروپاییان اعتماد کنند. یوهان ولفگانگ فون گوته اظهار داشته بود: «شرق و غرب دیگر نمی‌توانند جدای از هم باشند.» هرچند گوته همچون نویسندگان

1. other

2. enlightened

بعدی مکتب رمانتیسم، شعر و به ویژه شعر فارسی را در نظر داشت؛ اما در مقابل، طه حسین و مصطفی عبدالرزاق فلسفه قرون میانه و آنچه از آن برخاست را در ذهن داشتند. در آلمان عصر رمانتیسم، ابن رشد را به عنوان نماینده عصر روشنگری اسلامی ستوده و وی را «عقل گرایی» شمرده اند که میراث آن عصر را به اروپایی که هنوز در بلا تکلیفی بود منتقل کرد.^(۴) یوسف شاهین، کارگردان مصری، در فیلم المصیر (سرنوشت) نیز همین تصویر را نمایش داده است. اما در نظر وی، اسلام دو چهره دارد، اندیشه ای که برای ما کاملاً آشناست.

سخن گفتن درباره فلسفه یا صرفاً بنیادگرایی و شریعت کافی نیست. جایی هم باید به الاهیات، علم کلام، اختصاص داد، یعنی «علم سخن جدلی» که مشغولان به آن می دانستند چطور «جلسات بحث» درباره دینشان با صاحبان دیگر آرا و تفاسیر را اداره کنند، حتی اگر طرف های بحث آنها مسلمان نبودند.^(۵) این واژه نشان می دهد که «جدلیون» به دفاعیه پردازی اشتغال داشتند. هر چند این سخن تنها تا حدی درست است؛ علم کلام خیلی زود ادعای دیگری کرد. نقشی که این علم برای خود در نظر می گرفت به دست دادن تبیینی موثق از عالم بود. از این رو، کلام در آن زمان که فلسفه حقیقی، یعنی فلسفه کندی و حلقه وی، و فارابی و دیگران تا عهد ابن رشد — که تنها او شایسته نام فیلسوف به معنای مدرن آن است — هنوز ظهور نکرده بود، ماهیتاً «فلسفه» تلقی می شد.

در آن دوره، همچون قرن هشتم میلادی در فرانسه، «فیلسوفان» صرفاً اندیشمندان به شمار می آمدند، و از میان آنها گروهی از متکلمون در کنار حکما و «اهل علم» — یعنی اختربینان و کیمیاگران — بالاترین جایگاه را داشتند.^(۶) یعقوب اداسایی^۱ در کتاب گنجینه ها^۲ از «فیلسوفان جدید» گله می کند، کسانی که به گرد نظام جمع شده بودند، و «به عبث در پی شکوه و افتخار دنیوی بودند».^(۷) در

1. Job of Edessa

2. Ketābā de sīmātal/ Book of Treasures

نظر یعقوب، که حکیمی مسیحی و مدافع میراث یونان بود، آنها فقط لژنشینانی بودند که شایسته شهرتی که داشتند نبودند. اگرچه در میان مسلمانان عملکرد آنها نظیر عملکرد آبای کلیسا بود. آنها همچون همتایان مسیحیشان مستغرق در آرای افلاطون و ارسطو نبودند، اما از همان مزیتی برخوردار بودند که چند قرن پیش از آن اریگن و کلمنت اسکندرانی از آن بهره‌مند بودند: آنها هنوز گزینه‌هایی تاریخی در اختیار داشتند که بعدها محدودتر شد. در نتیجه، ایشان آزادی اندیشه‌ای داشتند که نسل‌های بعد فقط خواب آن را می‌توانستند ببینند. به همین دلیل، پدیده کلام خیلی زود به اوج خود رسید؛ خلاقانه‌ترین دوران آن نه پس از بلوغ این علم، بلکه خیلی پیش از آن ظهور کرد، وقتی که نشانه‌های ملال و توقف هنوز ظاهر نشده بود.

آن دنیای مسحورکننده حالا از هم فروپاشیده و در امواج پاک‌دینی و منزّه‌طلبی‌ای که نشان از بنیادگرایی جدید دارد، غرقه شده است. در عربستان سعودی، کلام — همچون فلسفه — از مفاد درسی دانشگاه‌ها کنار گذاشته شده است. به هر روی، نباید فراموش کرد که الاهیات، در مفهومی که در این کتاب به آن می‌پردازیم، همواره محدود به منطقه‌ای معین و ادواری مشخص از تاریخ بوده است، به ویژه به عراق در نخستین قرون حکومت عباسیان، و بعد ایران، که در آنجا تا پیش از ظهور امپراتوری مغول دوباره رونق یافت.

در اینجا ما به سرآغازها توجه داریم، به دوران انتخاب‌های آزاد، وقتی که کلام هنوز عمیقاً در جامعه اسلامی ریشه داشت، و همدیف فقه بود. از ابوحنیفه، نخستین فقیه عراقی که تأثیر ماندگاری بر فقه اسلامی نهاد، فقط رساله‌های کلامی‌اش باقی مانده است (رسالة الی عثمان البتی، و مناظره‌هایی که شاگردانش گردآوری کرده‌اند، فقه الایسط و کتاب العالم و المتعلم). آموزه‌ها و آرای فقهی وی ظاهراً فقط از طریق سنت شفاهی منتقل شده است. کلام و فقه هنوز رقیب هم بودند، و اصلاً هم آشکار نبود که فقه غلبه خواهد یافت. هر دو پیوندهای نزدیکی با محیط پیرامونشان داشتند. متکلمان فقط دلمشغول خدا و حقایق

ازلی نبودند؛ اصلاً و ابداً. آنها به مسائل روزمره مؤمنان و تشویش خاطرهای شخصی آنان نیز می پرداختند. متکلمان آن گاه جایگاهشان را از دست دادند که رفته رفته تشنه قدرت شدند و متحد عباسیان گشتند. ضربه و آسیب محنت، جریان تفتیش عقایدی که در عهد مأمون به راه افتاد، بی حد و اندازه بود. کسانی که متهم به راه انداختن این جریان بودند — یعنی متکلمان معتزلی — مسئولیت مستقیم آن را به عهده نداشتند. بلکه ابتکار عمل آن را خلیفه در دست گرفته بود. اما حضور در جبهه سرکوبگران برای معتزله به قیمت از دست دادن همدلی و همراهی همه قربانیان این جریان تمام شد، چه از طبقات پایین جامعه و چه از طبقات بالای آن.

پیش از آنکه متفکران دینی در پایتخت گرد هم آیند، انواعی از راست کیشی های محلی در شهرهایی چون کوفه، بصره و دمشق به وجود آمد و آنها بسته به انتخاب هایی که می کردند، با هم تفاوت داشتند. این اوضاع به ویژه وقتی درخور توجه است که پای نظریه های سیاسی در میان باشد؛ موضع گیری ها از شهری به شهر دیگر تفاوت داشت. در دوره ای خاص، ایدئولوژی های ذیل در هر کجا که سربر آورده بودند «صحیح» [و مقبول] بودند: قَدْریه، مُرْجئه و شکل های مختلف تشیع. اما بعدها، همه آنها شکل هایی از ارتداد تلقی شدند. نفوذ پایتخت این چنین اعمال می شد. در بغداد، آن «راست کیشی ها» ی وارداتی در هم ادغام شدند و فرایندی فرسایشی را از سر گذراندند. دربار همچون کاتالیزور عمل می کرد؛ دانشمندان «ولایات» که در پی کسب شغلی در پایتخت بودند به ناگزیر می بایست عقاید و ویژگی های محلی را کنار می نهادند یا از تبلیغ آزادانه آنها خودداری می کردند. ابن فقیه جغرافیدان می نویسد: «حُسن بغداد در این است که آنجا لازم نیست حکومت از غلبه مکتبی بر مکتب دیگر بهراسد، چنان که در کوفه رخ داد. در آنجا، علویان، دوشادوش شیعیان، غالباً از عهده تسلط یافتن بر مردم برمی آمدند. در بغداد، همه آنها — شیعیان، معتزله و خوارج — با هم همزیستی دارند؛ هر جناحی دیگری را زیر نظر دارد و مانع از

تفوق یافتن آن می‌شود.^(۸) مکتب اعتزال، با اینکه اصالتاً از بصره بود، توانست با استفاده از موقعیت، نخستین راست‌کیشی جهان اسلام را که به بیرون از یک منطقه گسترش یافت، به وجود آورد. این مکتب برای گسترش مبنای نظری‌اش و برقرار کردن تعادلی نوین میان آوای مختلف، به خوبی توانست قدرت و نفوذ خود را حفظ کند. عقل‌گرایی‌ای که چنان به آن می‌بالید، مؤثرترین ابزارش بود. این کتاب به روشن کردن بعضی از وجوه آن بسط و گسترش می‌پردازد، و موضع آن تاریخی است، نه چیزی بیش از آن. جهان‌بینی اسلامی نشانه‌های بسیاری از آن گسترش را در خود حفظ کرده است. راست‌کیشی‌های دیگری جای اعتزال را گرفتند، اما عقایدی که این مکتب بسط داد تأثیر مخربی بر جریان‌های بعدی نهاد. هرچند در اواخر سده سوم اعتزال در بغداد در معرض خطر بود، به یمن اقدامات تبلیغی‌اش در حدود قرن چهارم در خوارزم رواج یافت. در سال ۸۰۳، تیمور لنگ در نبرد شام، فقیهی حنفی را در مصاحبت خود داشت که یک معتزلی بود. ابن‌خلدون وی را در دیداری مشهور در دمشق ملاقات کرد. دست آخر، راست‌کیشی معتزلی نیز به راست‌کیشی‌ای محلی بدل شد. مسائل کلامی شاید ازلی و ابدی باشند، اما ایستا نیستند. پاسخ‌هایی که در زمانی مفروض در خور شرایطی مفروض‌اند به سرعت به صورت کلیشه‌هایی سفت و سخت درمی‌آیند. اما گاهی نیز این پاسخ‌ها جایگزین‌هایی قابل قبول برای پاسخ‌های مطرح‌شده در زمان ما از کار درمی‌آیند. و اهمیت آنها برای مسلمانان و همچنین برای ما در همین جاست. اندیشه مدرن وارث گذشته‌ای غنی است، و بازخوانی اندیشه‌ها و تصمیم‌هایی که زمانی با اهمیت تلقی می‌شدند همواره مفید خواهد بود.